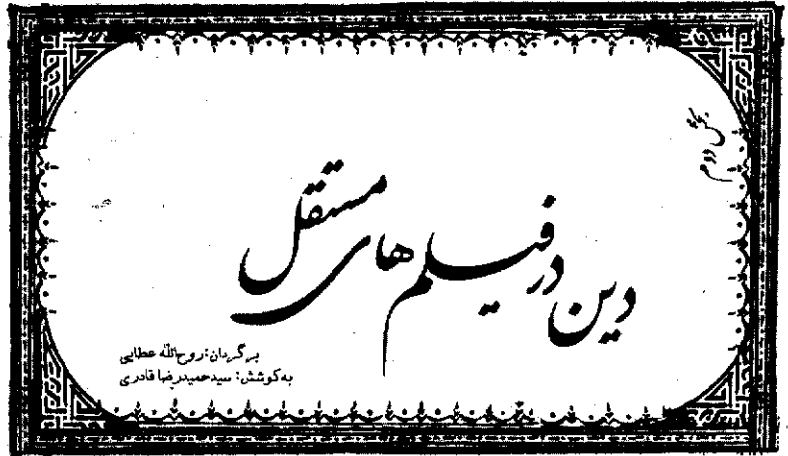


پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





پیشکار علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
رسال جامع علوم انسانی



### اشاره

آنچه در پی خواهد آمد گزارش بلند است که توسط دو تن از منتقدین و گزارشگران ژورنال مذهب و فیلم، ویلیام بلیزک (William L. Blizek) و روبی رامجی (Ruby Ramji) به مناسبت برگزاری جشنواره فیلم سانفرانسیسکو تهیه شده است. این جشنواره از تاریخ ۱۷ تا ۲۷ ژانویه سال ۲۰۰۸ در پارک سینما شهر نیویورک آمریکا برگزار شد. نظر به اهمیت این جشنواره و فیلم‌های عمدتاً مهجوری که در آن به نمایش درآمدند - که حتی این گزارش می‌تواند مدیران تأمین برنامه‌های شبکه‌های مختلف رسانه ملی را ترغیب به خرید و نمایش برخی از آن‌ها نماید - و همچنین آشنایی خوانندگان ما با رواق هنر و اندیشه با برداشته‌ها و تعاریف منتقدین و ریویونیویس‌های غربی از حضور دین در سینما، این گزارش بلند بالا در چند شماره پیاپی به چاپ خواهد رسید.

و اما بعد...

### شبهه دیگران باش! (مستند)

۱. مرحوم آیت الله خمینی فتواهای [...] فراوانی داشته است. یکی از این فتواها باعث تمایز جمهوری اسلامی ایران از دیگر جوامع مسلمان می‌باشد. به نظر ایشان تغییر جنسیت مجاز است و اشکال شرعی ندارد. در کشوری کاملاً مذهبی و راست آیین، [امام] خمینی، حکم دینی بی‌چون و چرای و وضع کرد. مجازات هم‌جنس‌گرایی در ایران مرگ است.

۲. در این فیلم مستند، طناز اسحاقیان<sup>۱</sup>، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس، به فرهنگ دین‌سالار و طرز تفکر ایرانیانی می‌پردازد که آرزوی تغییر جنسیت را به منظور پذیرفته شدن در قانون اسلامی دارند. این راه عواقب بعضاً جبران ناپذیری از جمله شرمساری تا پایان عمر را با خود به همراه دارد.

۳. اسحاقیان به مرکز جراحی میرداماد، مطب دکتر بهرام میرجلالی در تهران رفت و در آنجا زنان و مردان جوانی را دید که سعی در تغییر جنسیت و رهایی از سردرگمی هویت جنسی خود را دارند. هزینه این نوع جراحی ۴۵۰۰ دلار است و دکتر میرجلالی تا به حال حدود ۴۶۰ عمل انجام داده است. بیشتر این جراحی‌ها پیچیده و دردناک هستند و دکتر با روش ابداعی خود از راه ایجاد آلت تناسلی زنانه به کمک روده، مردان را تبدیل به زن می‌کند.

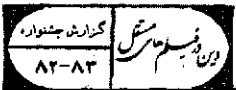
### 1. Be Like Others

۱. نظر امام راحل، مقید به وجود بهمانی در فرد است نه آزادی در تغییر جنسیت به هر علتی (مترجم)  
 ۲. طناز اسحاقیان (Tanaz Eshaghian) نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم ایرانی - آمریکایی متولد ۸ سپتامبر سال ۱۹۷۲ است که در سن ۶ سالگی ایران را به همراه مادرش ترک نمود. در کارنامه هنری وی این چنین آمده است:  
 • تهیه‌کننده و کارگردان فیلم کوتاه خود را ایرانی می‌نامم (I Call Myself Persian) - سال ۲۰۰۲

طناز اسحاقیان این فیلم را به همراه سارا نجوسی در مدت زمان ۲۷ دقیقه به زبان انگلیسی ساختند. این اثر به زندگی ایرانیان آمریکایی تباری می‌پردازد که دربارهٔ هویت بیگانه‌شان در کشوری که خانه می‌باشند سخن می‌گویند.

• سناریار تهیه‌کننده در فیلم تفریحگاه شیطان (Devil's Playground) - سال ۲۰۰۲  
 • نویسنده و کارگردان فیلم شبهه دیگران باش (Be Like Others) - سال ۲۰۰۸

فیلم مستند شبهه دیگران دانی در جشنواره فیلم برلین، برنده جایزه نندی کوپر (Teddy Queer) گشته است.



سبک ایرانی - آمریکایی کارگردان ایرانی  
 فیلم *عطار اسحاقیان* منجر به برخلتی جذاب،  
 اصطلاح پذیر و اول شخص از فیلم مستند  
 درباره روابط دوستانه و ازدواج می‌شود. در این  
 فیلم اسحاقیان در آستانه ۲۵ سالگی است. او که  
 ایرانی یهودی آمریکایی می‌باشد با مادرش تنها  
 زندگی می‌کند و روابط دوستانه‌اش را به‌طور  
 سنتی تنها به مردهای ایرانی محدود ساخته  
 است؛ ولی سال‌روز تولدش نزدیک است و  
 مادرش را دوباره نمی‌فرماید. مادر طناز  
 اظهار می‌دارد که با ازدواج از پیش تمین شده  
 طناز با مردی ایرانی موافق است.  
 طناز موافقت می‌کند و تصمیم می‌گیرد با  
 نامزدهای مختلفی صحبت کند تا همسر خود را  
 از میان آن‌ها بیابد. او از خواستگاران می‌خواهد  
 تا یکی یکی جلوی دوربین حاضر شده و به  
 پرسش‌هایی درباره روابط دوستانه و ازدواج پاسخ  
 دهند. این پاسخ‌ها منجر به اعتراضاتی صافخانه و  
 بعضاً مضحک می‌شود. اسحاقیان هم چنین سراغ  
 دوست‌پسرهایی قدیمی خود می‌رود و آن‌ها را  
 سرزنی می‌کند که چرا او را ترک کردند. در  
 جای دیگر فیلم کارگردان را می‌بینیم که خود را  
 درگیر شکاف فرهنگی می‌کند و سعی دارد خود  
 را به عنوان هویتی قومی تعریف کند ولی این  
 می‌برد که بین اتحاد بلند مدت و ثابت یک  
 ایرانی و گرایشات متفاوت آمریکایی گیر افتاده  
 است. در این میانه او سعی دارد تا پیش از انجام  
 کاری شرایط را محک بزند.  
 (خلاصه‌ای از فیلم عشق از نوع ایرانی -  
 آمریکایی به نقل از پایگاه اینترنتی ایوهورک  
 تاویل، ۳۱ فوریه ۲۰۰۸)



عطار اسحاقیان  
 ۳. رد عمل (rejection) به معنای آن است که  
 اعضای پوئند زده شده یا محل جراحی شده، توسط  
 سیستم ایمنی بدن انسان پس زده شود (مترجم)

مجله **فرهنگ و اندیشه**  
 شماره ۲۲  
 زمستان ۱۳۸۶

بیشتر افرادی که حاضر به صحبت درباره تصمیمشان با اسحاقیان شدند، مرد بودند. آن‌ها دوست داشتند درباره عمل جراحی، رد عمل جراحی، آزار و اذیت‌ها و گیر افتادن در جسمی اشتباه صحبت کنند.

۴. فرد مشتاق به تغییر جنسیت با مردان مختلفی در مراحل عمل تغییر جنسیت - از قبیل فکر کردن درباره عمل، گذراندن آزمون‌های روان‌شناختی، آمادگی برای عمل و دیدار با افراد تغییر جنسیت یافته - ملاقات می‌کند. آنوش پسری ۲۰ ساله است که دوست‌پسرش علی او را وادار به تغییر جنسیت می‌کند؛ زیرا راه رفتن با یک زن در خیابان آسان‌تر است. علی اصغر جوانی ۲۴ ساله است که قبلاً مرحله ارزیابی روان‌شناختی را گذرانده است و از جدایی بدن از روح بیش از هم‌جنس‌گرایی رنج می‌برد.

ویلا که به علی اصغر درباره عمل و حل مشکل ترک خانواده کمک می‌کند، خود تغییر جنسیت از مرد به زن را تجربه کرده است. ویلا می‌گوید که چه قدر از مردان هم‌جنس‌باز متفر است، زیرا آن‌ها مرد هستند با احساسات مردانه ولی هنوز هم به دنبال تنوع جنسی هستند. به نظر ویلا عمل تغییر جنسیت، قانونی و قابل قبول است. چون اگر اشتباه بود دولت آن‌را تصویب نمی‌کرد. ما جمهوری اسلامی هستیم و مذهب در بطن جریانات قرار دارد.

۵. در طول فیلم، شاهد افرادی هستیم که دوست دارند این فتوا را در راستای عقاید دینی خود به کار ببرند. مذهب‌یون طرفدار یکی از این گروه‌های تغییر جنسیت معتقدند که فتوای [امام خمینی اشاره به این نکته دارد که عمل تغییر جنسیت باعث دست بردن در آفرینش طبیعی خداوند

نمی‌شود بلکه ویژگی‌ها و خصوصیات [آفرینش] را تغییر می‌دهد.  
 از چوب می‌توان صندلی ساخت، از آرد نان و بدن مرد را می‌توان تبدیل به زن کرد. به‌هر حال در این گروه‌ها افرادی هستند



که از سوی خانواده، جامعه، پلیس اخلاق، نیروی انتظامی و سپاه پاسداران طرد می‌شوند.  
 ۶. در ادامه فیلم، فرهاد دوست علی اصغر را می‌بینیم که در همه مراحل عمل جراحی همراه اوست؛ زیرا خانواده‌اش او را ترک کرده‌اند و در نهایت تبدیل به یک روسپی می‌شود. فرهاد پس از

مشاهده سختی‌های عمل و روبه‌رو شدن با این حقیقت که ارضای جنسی در افراد تغییر جنسیت یافته محقق نمی‌شود و این‌که بیشتر افراد تغییر جنسیت داده گرایش به خودکشی دارند، نظر خود را درباره عمل عوض می‌کند. فرهاد معتقد است خدا او را دوست دارد؛ زیرا باعث شده است آگاهی باید و با عمل از بد به بدتر تبدیل نشود.

۷. علی‌اصغر شب پیش از عمل جراحی به طور شفاهی پیام نسبی دیگران باش را توضیح

می‌دهد:

اگر در پی هویت خود هستید، باید این کار را کنید. هویت من پس از عمل تعریف می‌شود. در آن هنگام شفافیت معنا پیدا می‌کند. در دنیایی که با خانواده، سنت و دین تعریف شده است مردانی تصمیم گرفتند که چه کسی باشند و فشارهای زیادی را متحمل شدند تا بر انتظارات کهن فائق آیند و با شفافیت زندگی کنند.

در حاشیه

سال ۲۰۰۴ طنز اسحاقیان مشغول مطالعه نیویورک تایمز بود که به داستانی درباره عمل تغییر جنسیت قانونی در ایران برخورد. این مقاله درباره پدیده‌های در زادگاهش بود که در شش سالگی آن را ترک کرد و اکنون او را ترغیب به ساختن شبیه دیگران باش کرده است.

او به ایران رفت و یک هفته را در اتاق انتظار دکتر بهرام میرجلالی در مرکز جراحی میرداماد در تهران گذراند. جایی که مردان و زنان جوان روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه در آن حضور داشتند. اسحاقیان برای تحقیق درباره موضوع و فیلم‌برداری در ایران با دولت مشکلی پیدا نکرد.

از اسحاقیان درباره حضور کم زنان در مستندش پرسیده شد و او گفت که در کل زنان در عمل تغییر جنسیت موفق‌ترند. زنان راحت‌تر از مردان هویت جنسی خود را عوض می‌کنند. آن‌ها شغل پیدا می‌کنند، ازدواج می‌کنند و بنابراین تا حد زیادی چیزهای بیشتری برای از دست دادن از طریق حضور در فیلم دارند.

برای فهم بهتر نقش اسلام در زندگی مردان مشتاق به تغییر جنسیت واضح است که دین فقط بخشی از فرهنگ آن‌هاست. روابط افراد با خانواده‌هایشان از مهم‌ترین مسائل است. زندگی در ایران انفرادی نیست. زندگی کمک افراد به یکدیگر و تکیه به یکدیگر برای کنار آمدن با انتظارات دینی و فرهنگی است و بنابراین نتایج وخیمی در انتظار افرادی است که دست به عمل می‌زنند. روابط پیچیده است و بنابراین عواقب پیچیده‌ای در انتظار [افراد] است. در دنیایی که انتظارات مشخص هستند شبیه دیگران نبودن خیلی سخت است.

اسحاقیان علاقه‌مند به محرک‌های قدرت در خانواده‌های مردان مشتاق به عمل بود. بنابراین روابط بین مادران، پدران، برادران و خواهران فرای و در بطن زندگی این مردان جای دارند. این حقیقت که این مردان جوان به قطع رابطه با خانواده مشتاقند، می‌تواند ریشه در عدم شفافیتی داشته باشد که با آن زندگی می‌کنند. به نظر اسحاقیان چیزی بدتر از عدم شفافیت وجود ندارد.

### با طنز اسحاقیان

طنز اسحاقیان در آخرین فیلم خود با نام عشق از نوع ایرانی - لسن‌کایی، خود را در بطن داستان قرار داده و ساعات فراوانی را صرف مصاحبه با اقوام خوش‌قلب و دوست‌پسرهای مبتلا به ترس‌نمهد خود کرده است تا تصویری از فرهنگ رابطه عاشقانه در کشورش را نشان دهد.

اسحاقیان در جدیدترین فیلم مستندش با نام شبیه دیگران باش، به مقاله ضد فرهنگی اخیر جنسیت در ایران می‌پردازد که با وجود ارزش‌های اجتماعی محافظه‌کارانه کاملاً قانونی است و چندین فرد جوان زیر عمل جراحی تغییر جنسیت بوده‌اند. در زیر گفت‌وگویی را با وی می‌خوانیم.

### شخصی‌های فیلم‌ت را چگونه پیدا کردی؟

به یک مطب جراحی تغییر جنسیت مشهور در تهران رفتم و در اتاق انتظار نشستم. خیلی جالب بود. فرهنگ مردم را در مکالماتی که در اتاق انتظار رد و بدل می‌شد می‌دیدم. در حال گوش کردن بودم که حرف‌های خنده‌ناز مادی درباره پرسش نظرم را جلب کرد. می‌گفت:

پسرم ۲۳ ساله است و اگر دختر شود کسی حاضر نیست با او ازدواج کند.

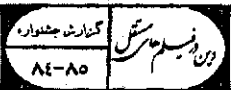
خیلی جالب بود. همه دفعه‌هایی که خانواده سنتی‌ام درباره من داشتند این زن درباره پسری داشت که می‌خواست دختر شود.

### برای چه نام شبیه دیگران باش را برای فیلم انتخاب کردی؟

هنگامی که شخصیت‌های فیلم دلایل تغییر جنسیتشان را می‌گفتند جملاتی خیلی تکرار می‌شدند:

می‌خواهم مانند بقیه زندگی کنم. می‌خواهم شبیه دیگران باشم. سن عجیب و غریب نیستیم. من فاسد نیستیم. من

در ابتدای فیلم زن‌ها می‌بینیم که قصد انجام عمل را دارد ولی از آن صحنه به بعد تمرکز بر روی مردان است.



گزارش جشنواره  
۸۴-۸۵

عاملی که باعث نگرانی شدید می‌شود. بنابراین در مستندش سعی می‌کند تا احساس حضور و وضوح را در این مردان قوی و شجاع و همزمان نگران، اذیت شده و ناامید نشان دهد.

با اسحاقیان درباره نقش زبان فیلم هم صحبت کردم. با رشد مفهوم تغییر جنسیت در ایران به منظور اثبات دین سالاری مدرن، زبان غرب هم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. اسحاقیان می‌گوید که گفتمان فیلم، آمریکایی شده است. تعجب ما از این است که چگونه این سوالات و مفاهیم، پیش از آمریکایی شدن هویت جنسی در ایران مورد بحث قرار گرفتند. چه فرهنگی به مردان و زنان اجازه داده است تا پیش از قانونی شدن عمل تغییر جنسیت، در جسمی اشتباه زندگی کنند؟

### مرگ در عشق<sup>۶</sup>

مرگ در عشق، فیلم بسیار پیچیده و ناخوشایندی برای تماشا است. مرگ در عشق، داستان خانواده‌ای بدکار است. معمولاً خانواده‌های بدکار به درد فیلم‌های کم‌دی می‌خورند ولی در این فیلم خبری از طنز نیست و فقط زشتی می‌بینیم. پس چرا باید فیلمی را دید که پر از رفتارهای تنفر آمیز است؟

جواب این پرسش در این واقعیت نهفته است که بدکاری خانواده، نتیجه انتخاب مادر در هنگامی است که دختر جوانی در بازداشتگاه آسرا در جریان شوته<sup>۷</sup> بوده است. دختر جوان با یکی از دکترهایی که بر روی یهودیان آزمایش انجام می‌دهد رابطه جنسی داشته است. صحنه‌های جنسی با صحنه‌های آزمایش درهم آمیخته‌اند و بسیار وحشتناک‌اند. این تجربه زمینه را برای بقیه زندگی دختر و خانواده‌اش آماده می‌کند. زشتی بدکاری این خانواده نشانگر عواقب راحت شدن اروپا از شر یهودیان است. ناخوشایندی فیلم بیانگر ماهیت مخرب نسل‌کشی انجام شده با نام هولوکاست است. ما به دیدن حوادث اتفاقی اقتاده برای افراد در شوته عادت کرده‌ایم.

### دوراکوو؛ دهکدهٔ احمق‌ها<sup>۸</sup>

(مستند)

به نظر می‌رسد این فیلم درباره استفاده غلط از دین و خداوند می‌باشد. دهکدهٔ دوراکوو بیشتر

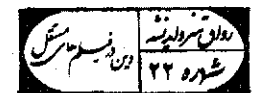
منحرف جنسی نیستیم... من هرزه  
نیستیم... من همجنس‌گرا نیستم...  
من کثیف نیستم.  
همگی سرخورده از تحقیر بودند. از این‌که  
این اندازه خیره نگاه شوند و بشنوند که فاسد  
هستند. همین و بس!

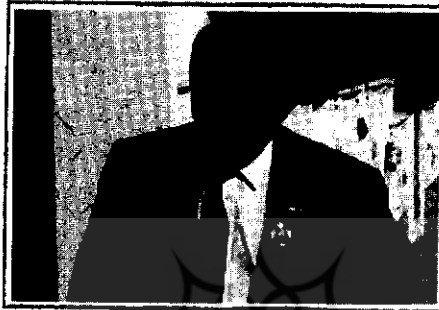
**پس هر واقع آن‌ها همجنس‌گرا نیستند!**  
درست است. همجنس‌گرایی شرماور است و  
کسانی که این کار را انجام می‌دهند از لحاظ  
اخلاقی فاسد هستند. آن‌ها به من می‌گفتند که  
من مریض و درمانی وجود دارد و تو نمی‌توانی  
درباره من قضاوت کنی؛ چون این موضوع  
قضاوت برادر نیست؛ این یک مسئله پزشکی  
است.

**آیندگاه ضمنی فتوای درباره تغییر  
جنسیت مارلنه فرست است؟ چه چیزی  
باعث شد ایشان چنین فتوایی مستنداً  
ماجرای او را قرار است که روزی مرد تهر  
جنسیت داده‌ای، فریاد زنان خود را به جلوی  
آقای ضمنی رسانده، پسرانش را بالا زده و  
می‌گوید:**

من زنده نمی‌بینم؟ من زخم و به  
کسک احتیاج دارم.  
آقای ضمنی فرمودند:  
روز، چادر بپوش، خود را بپوشان،  
این‌طور سرم آور است.  
مرد تغییر جنسیت داده لطفی را که آقای  
ضمنی زن خطابش کرد بهترین لحظه زندگی -  
ایش می‌داند.

۶. Death in Love.  
۷. در تعریف واژه shoah آمده است:  
کنترل دسته‌جمعی شهروندان اروپایی به ویژه  
یهودیان توسط نازی‌ها در جریان جنگ جهانی دوم.  
۸. Durakovo: Village of Fools.





شبهه یک محوطه کوچک است تا دهکده. این دهکده چیزی شبیه اردوگاهی است برای جوانانی که با سرپرستی رییس خودکامه و مغرور با نام میخائیل فیودورویچ می‌باشد. اصل مهم در این اردوگاه پیروی از قوانین و اطاعت از رییس است. فرض بر این است که جوانان با این روش می‌توانند

مسیر زندگی خود را مشخص کنند. خیلی عجیب است ولی انگار که خداوند بر این اردوگاه حاکم است. خداوند، رییس، قوانین و حتی جوانان ساکن در اردوگاه را انتخاب کرده است. فیودورویچ هر کاری انجام می‌دهد تا پول درآورد و زندگی راحتی داشته باشد ولی ادعا می‌کند که این اراده خداوند است.

در این معنا شاهد استفاده غلط از مفهوم خداوند هستیم؛ زیرا هیچ ارتباطی بین خداوند و زندگی راحت طلبانه فیودورویچ وجود ندارد. موازی با فیلم، داستانی سیاسی نیز وجود دارد. فیودورویچ و نزدیکان سیاسی‌اش درباره انتخاب روسیه از سوی خداوند صحبت می‌کنند. خداوند، پوتین را انتخاب کرده است و روس‌ها باید برای آسایش از دستورات او تبعیت کنند. ولی با عوض شدن گورباچف و یلتسین موجی نهان از نارضایتی پدید آمد. فیودورویچ آرزوی بازگشت به دوران گذشته را دارد که در آن همه چیز تحت کنترل رهبران بود. دموکراسی، جایگاه روسیه را تنزل بخشیده ولی به اعتقاد فیودورویچ پوتین می‌تواند روسیه را از لحاظ سیاسی ارتقاء بخشد.

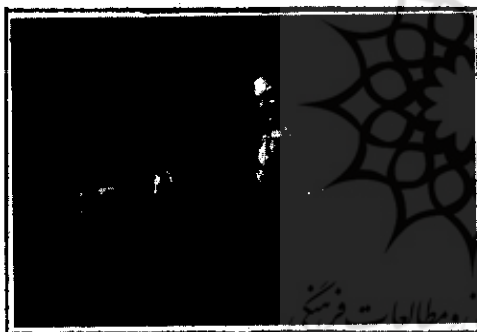
جای تعجب است که خداوند از پوتین و نظام سیاسی ضدموکرآتیک جدید در روسیه حمایت می‌کند. برداشتی غلط از مفهوم خداوند در سیاست و اداره امور اردوگاه وجود دارد. مسئله‌ای که ارجاع به خداوند را غیرمعمول می‌سازد این است که در روزگاران پیش از دموکراسی، ارجاع به خداوند در شوروی سابق وجود نداشت. اکنون فیودورویچ آرزوی بازگشت به روزگار پیش از دموکراسی را دارد ولی معتقد است که این بازگشت، فقط با انحن خداوند میسر است و نفرت او از

شاید تمام که چراغی پلاستیک در ایران  
چهار محبوب است. به نظر شما چرا؟  
به نظرم فرهنگی پوچ است. تقریباً شبهه مرکز  
نیویورک می‌ماند. قسم می‌خورم. می‌توانم ۶۰  
هزار فیلم بسازم ولی اگر روزی به خودم ترسم  
مادرم از دستم عصبانی می‌شود!  
(به نقل از پایگاه اینترنتی نیویورک  
تایمز، ۲۶ ژانویه ۲۰۰۸)

دموکراسی مقدمه‌ای برای بازگشت است. سؤالی که در ذهن بیننده نقش می‌بندد این است: اگر دوراکوو دهکدهٔ احمق‌هاست، چه کسانی احمق هستند؟ جوانانی که برای دریافت کمک به دهکده آمده‌اند؟ افرادی که به ایجاد اردوگاه سمی در کمک به جوانان و ایجاد فضایی با پیروی مطلق دارند؟ افرادی که آرزوی بازگشت به سیاست‌های روسیهٔ قدیم را دارند؟ آیا احمق کسانی هستند که برداشتی اشتباه از خلوند دارند و بنابراین قادر به برقراری ارتباطی معنوی نمی‌باشند؟ احتمالاً جواب، همگی افراد فوق‌الذکر هستند.

### دفتر خاطرات مردگان<sup>۱</sup>

۲۴ اکتبر ساعت ۱۱ شب جیسون کریید با دانشجویانش به جنگل می‌روند تا فیلم‌برداری



فیلمی ترسناک با نام مرگ مرده<sup>۲</sup> را برای پروژه‌های در دانشگاه پیتزبرگ آغاز کنند. با آغاز تصویربرداری، اخبار، خطاب به افراد اعلام می‌کند که به‌طور شگفت‌آوری مردگان به زندگی برمی‌گردند.

به فیلم دفتر خاطرات مردگان، ساختهٔ جرج.ا. رومرو خوش آمدید.

۲. فیلم جدید رومرو بیننده را به روز اول بازمی‌گرداند. آن هنگام که اجساد، جان یافته و به انسان‌ها حمله می‌کنند. این فیلم داستان وحشتی مکاشفه‌ای است و این‌که چگونه افراد زنده و نه مرده‌های جان گرفته منبع ایجاد وحشت در جهان می‌شوند.

۳. جیسون، دوربین را برداشته و ما را دعوت به تماشای مستندی از حوادثی واقعی دربارهٔ بازگشت مردگان به زندگی می‌کند؛ داستانی واقعی که تنها یک خیر غرض‌ورزانه رسانه‌های عمومی نیست. دفتر خاطرات مردگان - شبیه بسیاری از فیلم‌های دیگر رومرو - دربارهٔ مردگان جان گرفته است که به تریبون برای نقد اجتماعی با کاوش در موضوعاتی مانند نژاد پرستی،



مهاجرت، مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی و پدیده جدید گفتن حقیقت از طریق اینترنت می‌پردازد. در میان این مشاهدات، مذهب جایگاه ویژه‌ای دارد.

۴. همزمان با بازگشت دانشجویان و استاد بازمانده، اندرو مکسول به خانه، پی می‌بریم که راننده - ماری دکستر - نشانی از کریستوفر قدیس را روی آینه عقب ماشینش آویزان کرده تا راهنمای او باشد. متأسفانه کریستوفر قدیس نمی‌تواند مانع حمله مردگان جان گرفته شود و در نتیجه ماری سه نفر را با ماشین زیر می‌گیرد. ماری که نمی‌تواند جان گرفتن مردگان را درک کند از کشتن آن سه نفر پریشان می‌شود و سعی در نجات خود دارد. در پایان ماری خود مرده‌ای جان گرفته می‌شود که باید توسط یک جان گرفته دیگر کشته شود.



۵. در میان صحنه‌های خونین کشتار مردگان جان گرفته

به روش‌هایی جدید و جذاب، داستان توسط یکی از بازماندگان با نام دیرا روایت می‌شود. دیرا برای ما توضیح می‌دهد که خداوند قوانین حاکم بر ما را عوض کرده است و ما کماکان بازیگران این بازی هستیم. موضوع فقط جان گرفتن دوباره مردگان نیست بلکه زندگان هم تبدیل به موجوداتی ظالم و بدکار شده‌اند که در دنیایی آکنده از تهدیدات انسانی زندگی می‌کنند.

۶. توضیحات فراوانی در وصف رستاخیز مردگان وجود دارد. گزارش‌های رادیویی با صدای اربابان وحشت مانند استن کینگ، وس کریبون و کوینتین تارانتینو بیانگر پارانویا<sup>۱۱</sup> - به خانواده خود اطمینان نکن - آشوب و از دست دادن کنترل می‌باشند. در نهایت تنها صدای رادیو از آن مؤمنی مسیحی<sup>۱۲</sup> است که فریادکنان اذعان می‌دارد که مردگان به دلیل گناهان ما سیر نمی‌شوند و بنابراین باید به زانو درآید و در نزد خداوند توبه کنید.

۷. ساموئل - تنها شخصیت مذهبی کمک‌رسان فیلم - مردی ناشنوا از فرقه آمیش<sup>۱۳</sup> است که از دینامیت برای کشتن مردگان جان گرفته<sup>۱۴</sup> استفاده می‌کند و هنگامی که مرده‌ای او را گاز می‌گیرد

۱۱. جرج اندرو روسو، کارگردان، نویسنده، تدوین‌گر و بازیگر آمریکایی متولد چهارم فوریه سال ۱۹۴۰ در شهر نیویورک است. وی از مادری کاتولیک و پدری کوبایی به دنیا آمد که هر دو تبعیت آمریکایی داشتند. وی تاکنون در بیش از ۱۹ فیلم به عنوان مختلف حضور داشته است. کارنامه کاری وی عمدتاً به فیلم‌هایی مربوط می‌شود که به ژانر وحشت تعلق دارند. وی سابقه همکاری با استن کینگ و هم‌چنین کاتلان دیس در فیلم سنبلی سکوت برده را دارد.

۱۱. بدگویی

12. evangelical

۱۳. فرقه Amish گروهی از پروتستان‌های سخت‌گور سوئیت - فرقه مختلف نسلی کمبود - است که در طی قرن ۱۸ در آمریکا و کانادا مقیم شدند.

14. zombie



به جای تبدیل شدن به یکی از آن‌ها خود و مرده را می‌کشد.

۷. راوی داستان، دبرا در نهایت به همراه دیگر افراد به خانه باز می‌گردد. در خانه به دنبال والدین و برادرش می‌گردد ولی از ترس این‌که تبدیل به مرده شده باشند در خانه به دنبال مایکل می‌گردد و او را نماد قدرت و شجاعت در مواقع خطر می‌یابد. متأسفانه همگی خانواده او تبدیل به مرده‌های جان گرفته شده و در آخر کشته می‌شوند. در این جاست که دبرا آگاهانه پی می‌برد در نهایت همه ما مصون از مرگ و وحشت خواهیم بود و آن‌ها را با آغوش باز خواهیم پذیرفت و وحشت تنها فرصتی دوباره برای نجات یافتن است.

راوی سپس در اشاره به مردگان جان گرفته به طور تاتر انگیزی اذعان می‌دارد که:

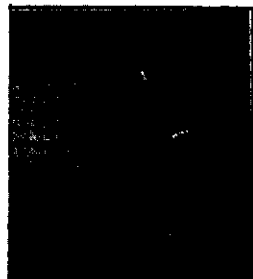
سابق بر این ما بر علیه خود بودیم، اکنون ما بر علیه آن‌هایم با این تفاوت که آن‌ها خود ما هستند.

ترس و وحشت از مردگان جان گرفته بخشی از زندگی انسان‌هاست و این ماییم که باید بر نقطه ضعف‌های انسانی خود غلبه کنیم.

۸. در پایان مستند همه رسانه‌های اصلی ناپدید می‌شوند و ما به صداها و تصاویر بی‌شماری از هکرها و بلاگرها گوش کرده و نگاه می‌کنیم ولی حقیقت را نمی‌توان در این صداها یافت زیرا تمامی تبدیل به صداهای زاید و گوش‌خراش شده‌اند. دبرا با استمداد طلبیدن از مایکل مجبور به شلیک به دوست‌پسرش جیسون می‌شود. دبرا با دلیل منبع حقیقی وحشت در نزد زندگان در نهایت این حقیقت را درمی‌یابد که شاید انسانیت ارزش نجات دادن را ندارد. شاید به همین دلیل است که خداوند قوانین را عوض کرده است.

در حاشیه

پس از تماشای دفتر خاطرات مردگان، فرصت مصاحبه با کارگردان آن جرج / رومیرو را یافتیم. برایم جالب بود که چرا رومیرو دوست دارد با ژورنال دین و فیلم مصاحبه کند. من همیشه عاشق کارهای رومیرو بودهام و معتقدم نقدهای اجتماعی او از طریق مردگان جان گرفته، مرگ و خنده همیشه راهگشا بوده است. دلیل مصاحبه‌ام با او فهم این نکته است که چرا و چگونه از دین، آن هم در بافتار مسیحی و کاتولیک، در فیلم‌هایش استفاده می‌کند.



جرج ا. رومرو بزرگ شده برانکس<sup>۱۵</sup> است. خانواده پدرش اهل کاستل اسپانیا بودند. از همان اوایل متوجه تعصب پدرش نسبت به پورتوریکوها<sup>۱۶</sup> شد. با وجود احترام فراوان رومرو برای پدرش، هر چند وقت یکبار رومرو انتقادهایی را به نظرات پدر وارد می‌کرد. به همین دلیل است که رومرو مسائل مربوط به مهاجرت را تا اندازه‌هایی در فیلم‌های خود گنجانده است. با این‌که او بزرگ شده برانکس است ولی احساس می‌کند که از سوی ایتالیایی‌ها مورد تبعیض قرار گرفته است. او دین‌های مختلفی را در خانواده‌اش تجربه کرده است. او عموی مورمون<sup>۱۷</sup> و دایی یهودی داشته است. مسائلی مانند نژاد و قومیت، برخاسته از حرفه فیلم‌سازی رومرو دربارهٔ مردگان جهان گرفته هستند.

پدربزرگ و مادربزرگ مادری‌اش لیتوانیایی بودند. پدربزرگش در بخش مدیریت متروی نیویورک کار می‌کرد و همیشه با داستان‌های عجیب و غریب به خانه بازمی‌گشت. یکبار پدربزرگش جسد تکه‌تکه شدهٔ مردی را در تونل پیدا کرده بود و این حادثه چنان رومرو را مبهوت کرد که ترس وجودش را فراگرفت.

رومرو از کودکی کاتولیک بزرگ شد و به آن و به عشاء ریانی اعتقاد کامل داشت ولی بعدها فهمید که شما می‌توانید در همهٔ زندگیتان قدیس باشید ولی سبب بدزدید و اگر مردید به جهنم بروید.

مدت کوتاهی پس از این مکاشفه، مادربزرگش فوت کرد و در مراسم کفن و دفن او همه می‌گفتند که او به بهشت رفته است ولی رومرو از خود می‌پرسید:

چه می‌شود اگر مادربزرگ پیش از فوتش کار خطایی انجام داده باشد؟ پس باید الان در جهنم بماند.

هم‌چنین رومرو گفت که به‌خاطر این حرفش تا خانه از پدرش کتک خورده است. این حادثه لحظه‌ای مهم در زندگی رومرو است. جایی که دین کم‌ترین قدرت را پیدا می‌کند.

رومرو از مدرسهٔ کشیشان به دبیرستان رفت. برادرانش شر بودند. معمولاً دانش‌آموزان دیگر را با قدارهٔ پلاستیکی<sup>۱۸</sup> می‌زدند و به دانش‌آموزان که خصوصیات ویژه‌ای مانند هم‌جنس‌گرایی داشتند گیر می‌دادند. این تجربه بر عقاید مذهبی رومرو تأثیر داشت و باعث تنزل آن‌ها در زندگیش شد. به همین دلیل است که کشیشان و راهبه‌ها در فیلم‌هایش پایانی تراژیک و

15. Bronx
16. Puerto Ricans
17. Mormon
18. rubber scimitar

ناخوشایند دارند.

هنگام رفتنش به دانشگاه مسائل مختلف تحت تأثیر حشیش، طبل‌های بونگو<sup>۱۹</sup> و شعرخوانی در کافی‌شاپ‌ها بودند. دین با رومرو نماند ولی این هنگامی است که رومرو اولین حضورش در عالم سینما را تجربه کرده و در سال ۱۹۶۸ اولین فیلمش دربارهٔ مردگان جان گرفته با نام *سب مردگان زنده شده*<sup>۲۰</sup> را ساخت و بدین ترتیب رومرو پیشگام در عرصهٔ ساختن فیلم‌های مدرن دربارهٔ مردگان جان گرفته شد.

اولین علاقهٔ سینمایی رومرو نمایش همسایه *آقای راجرز*<sup>۲۱</sup> است. جرج علاقهٔ ویژه‌ای به شخصیت اول این نمایش دارد و او را انسانی قوی‌بنیه می‌داند.

در حال حاضر رومرو در *کانادا* زندگی می‌کند. او دوست دارد از بازیگران کانادایی استفاده کند زیرا تأکید کمتری بر ستاره بودن بازیگر دارد.<sup>۲۲</sup> تأکید او بیشتر بر بازیگری است به همراه این‌که گزینش بازیگر در کانادا بسیار آسان‌تر است. این روزها او فیلم‌های خود را در کانادا می‌سازد و طی سه سال و نیم گذشته در تورنتو زندگی کرده است.

از رومرو دربارهٔ صحنه‌های به‌خصوصی از فیلم اخیرش پرسیدم که در آن‌ها ارجاعات فراوان دینی وجود داشتند. در فیلم دفتر خاطرات مردگان، دبرا یا همان راوی هنگام پیدا کردن اعضای خانواده‌اش احتیاج به یک حامی دارد تا پی ببرد آن‌ها تبدیل به مردهٔ جان گرفته شده‌اند یا خیر؛ بنابراین به دنبال مایکل می‌گردد. رومرو توضیح می‌دهد که دبرا در ذهنش به دنبال یک حامی می‌گردد و از یک فرشته کمک می‌گیرد تا او را از معصومیت محض و بی‌تجربگی رها سازد ولی در پایان اعتقادش را از دست می‌دهد. دقمة بعد هنگامی که دبرا می‌گوید مایکل فرشته، متوجه می‌شود که باید به دوست‌پسرش جیسون شلیک کرده و همزمان از او فیلم بگیرد.

عنصر دینی دیگر حاضر در فیلم این مفهوم است که همگی موقمی که کارها به هم می‌ریزد خدا را سرزنش می‌کنند و به همین دلیل است که رومرو مسیری را دربارهٔ خداوند طی می‌کند تا به خلق وحشتی مکاشفه‌ای دست یابد.

موضوع مهم دیگر در فیلم دفتر خاطرات مردگان، دسترسی سریع جامعه به اطلاعات است. در مصاحبه‌های در سال ۱۹۹۸ رومرو تأکید خود بر رسانه‌های الکترونیکی و سرعت سریع انتقال اخبار

۱۹. یک نوع طبل دوپاره که با دست نواخته می‌شود.

20. *Night of the Living Dead*

21. *Mr. Rogers Neighborhood*

۲۲. بیشتر بازیگران دفتر خاطرات مردگان، کانادایی هستند.

به ما را اعلام داشت. رومرو هنوز معتقد است که ما هنوز اطلاعات را بسیار سریع دریافت می‌کنیم به خصوص از راه پایگاه‌های اینترنتی‌ای مانند My space و you tube که مردم می‌توانند نظرات خود درباره حقیقت را بفرستند. برای نمونه صحنه‌ای در فیلم وجود دارد که در آن افراد، ۲۵ دقیقه بعد از شنیدن اولین خبر درباره جان یافتن مردگان، خود را به محوطه دانشگاه می‌زسانند ولی کسی را نمی‌یابند. در حال حاضر دیگر فیلتری برای یافتن حقیقت یا غیر آن وجود ندارد. هر کسی می‌تواند هر چیزی را روی وب گذاشته و آن را قابل دسترسی کند؛ هیتلر می‌توانست از راه اینترنت زنده باشد و پیام خود درباره نفرت را پخش کند.

امروز رومرو بانگ علاقه به دین را برمی‌آورد. این که ای کاش می‌توانست به چیزی مانند دین توسل جوید. دوست دارد/ اسپنسر تریسی<sup>۳۳</sup> دوستش باشد تا از او بخواهد با خداوند صحبت کند. رومرو هیچ عمل دینی‌ای انجام نمی‌دهد ولی در فیلم‌هایش با روش‌هایی اساسی به این مقوله می‌پردازد. بی‌صبرانه منتظر فیلم بعدیش هستیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی